

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين

خلاصه بحث گذشته

نتیجه بحث گذشته این می‌شود که اگر از روایات احجاج، حج واقعی برای صبی را استفاده کنیم، حق با مرحوم حکیم و مرحوم والد ماست که بگوئیم از این روایات، این ضابطه استفاده می‌شود که هر آنچه را که صبی خودش تمکن از انجام دارد آن را انجام بدهد، هر آنچه را که تمکن ندارد ولی انجام بدهد. به نظر ما این احتمال وجود دارد که آنچه را که ولی انجام می‌دهد، عنوان نیابت اصطلاحی را ندارد. طبق این مبنا، شرطیت طهارت، تمام جزئیات یا خود صبی یا ولی باید انجام بدهد.

اما اگر از روایات احجاج استفاده کنیم که شارع خواسته يك صورت حج و يك حج ظاهري برای بچه واقع شود، در این صورت حق با مرحوم خوئی است؛ یعنی شارع می‌خواهد افعال حج به حسب ظاهر انجام شود. مثلاً تلبیه، احرام، طواف، نماز که از افعال حج است، انجام شود و وضو لازم نیست؛ یعنی اگر گفتیم این روایات در مقام بیان يك حج صوري و ظاهري برای این بچه است، بعد باید بگوئیم احجاج فقط در افعال حج است، شارع می‌خواهد يك حج ظاهري برای او واقع شود.

نظیر این سخن در عبارات فقها در یک مورد آمده است: «إذا نظر المكلف أنه إن رزق ولداً حجّ به أو حج عنه»؛ اگر مکلفی نذر کند که اگر خدا به او فرزندی داد، «حجّ به»؛ یعنی احجاجش کند یا «حجّ عنه» یا از طرف او حجی انجام دهد، «إنعقد نذره فیتخیر بین أن يحجّ بالولد أو يحجّ عنه»؛ نذر او منعقد شده و مخیر است که این بچه را احجاج کند یا از طرف بچه حجی انجام دهد.

«فإن اختار الثاني»؛ اگر بخواهد از طرف بچه حجّ انجام بدهد، «نوی الحج عن الولد»؛ حجّ را از طرف بچه نیت می‌کند، «و إن اختار الاول نوی الولد الحجّ عن نفسه إن كان مميزاً»؛ اگر ممیز است خود فرزند نیت کند، «و إلا أجزأ عنه الأب ایقاع صورة الحج»^[1]؛ (همه شاهد در این قسمت است) در اینجا تصریح شده به این که ولی، يك حج صوري برای او انجام بدهد.

بنابراین، باید دید در روایات احجاج، شارع در چه مقامی است؟ آیا می‌خواهد يك حج واقعی حقیقی برای این بچه واقع شود؟ در این صورت هر آنچه در حج، مقدمات حج، شرایط افعال و غیره هست، باید انجام شود، اگر خود صبی می‌تواند که هیچ و گرنه ولی او باید انجام دهد، اما اگر شارع در این روایات در این مقام نیست که يك حج واقعی انجام بشود، بلکه می‌خواهد يك صورت حجّ برای صبی واقع شود، در این صورت فرمایش محقق خوئی (قدس سره) درست می‌شود و شاید در ذهن ایشان همین بوده است.

به بیان دیگر، این که می‌گویند این روایات انصراف به افعال حج دارد و شامل شرایط و مقدمات نمی‌شود، به این دلیل است که استظهار کردند از این روایات که يك حجّ صوري می‌خواهد برای این بچه واقع شود، حجّ صوري با انجام همین افعال حج انجام

می‌شود، افعال حج صورتاً هم انجام شود، چه نیازی به طهارت دارد؛ ولی این بچه را طواف بدهد، نه خود بچه لازم است وضو بگیرد نه اینکه توضی بدهند و نه اینکه از جانب او، ولی وضو بگیرد، این بچه را همینطور طواف بدهند بعد هم این ولی نماز بخواند و بعد هم برای سعی صفا و مروه ببرد. همین که صورت اعمال حج را برای صبی انجام بدهند کافی است که ما هم این احتمال را بعید نمی‌دانیم.

بررسی مشروعیت عبادات صبی

در باب عبادات صبی ممیز دو مبنا وجود دارد؛ 1) عبادات او مشروع است؛ یعنی این عبادات، صحیح و حقیقی است و این نمازی که صبی ممیز می‌خواند، مثل نمازی است که بالغ می‌خواند، همان گونه که برای نماز بالغ، شارع ثواب قرار می‌دهد به عنوان صلاة، برای این صبی ممیز نیز ثواب است. این مبنا مشهور است و دیدگاه ما نیز همین مبنا است.

2) عبادات صبی تمرینی است؛ یعنی این به عنوان يك عبادت حقیقی نیست، بلکه تمرینی است؛ یعنی شارع گفته برای این که صبی تمرین داده شود که بعد از بلوغ بتواند عبادت را انجام بدهد، عبادات را انجام دهد. اگر تمرینی شد ممکن است بگوئیم حتی نیاز به وضو هم نداشته باشد؛ یعنی اگر ولی به بچه ممیز خود گفت بلند شو نماز بخوان، وضو هم ندارد می‌تواند نماز بخواند و نباید اشکالی داشته باشد (البته کسی متعرض این مطلب نشده است).

به بیان دیگر، جزء آثار تمرینیت و فرق میان مشروعیت و تمرینیت عبادات صبی ممیز، آن است که در مشروعیت ثواب بر صبی قرار می‌دهند و در تمرینیت نه، فقط تمرین داده می‌شود، یکی دیگر از فرق‌ها همین است که اگر قائل به مشروعیت شد، باید شرایطش را انجام بدهد، وضو بگیرد، خصوصیات طهارت را حفظ و رعایت کند، ولی در تمرینیت هیچ کدام از اینها لازم نیست.

جمع‌بندی بحث

نتیجه این شد که اگر از روایات احجاج را، حج حقیقی و واقعی برای صبی استفاده کردیم، اینجا آن ضابطه‌ای که مرحوم حکیم و مرحوم والد ما فرمودند درست است؛ یعنی همه امور حج باید انجام شود. اگر صبی خودش می‌تواند خودش، و اگر نمی‌تواند ولی انجام بدهد این روشن است. و اگر از روایات احجاج حج صوری استفاده کردیم، حق با مرحوم خوئی است و این روایات، صورت اعمال حج را مطرح می‌کند و کاری به شرایط و مقدمات ندارد.

بررسی وجوب طهارت بر ولی

بحث ما در این است که آیا این صبی باید وضو بگیرد یا خیر؟ گفتیم طبق هر دو برداشت از روایات احجاج، نتیجه چه می‌شود؟ در ادامه این بحث مطرح می‌شود که پس از آن که بیان شد صبی، لازم نیست (یا طبق دیدگاه برخی دیگر لازم است) در طواف وضو بگیرد، آیا بر ولی طهارت واجب است یا خیر؟

از دو کتاب تذکره و کشف اللثام، تقریباً يك استفاده وفاق می‌شود که فقها يك اجماعی دارند بر این که ولی، حتماً باید وضو داشته باشد. در تذکره دلیلی که آورده این است که چون ولی کمک می‌کند به صبی در این طواف، و طواف صبی «لا یمکن إلا بمعونة الولي»، از این راه وارد شدند. مرحوم والد ما این استدلال علامه (قدس سره) در تذکره را رد کرده و می‌فرماید مجرد اینکه طواف صبی نیاز به کمک کردن ولی دارد، دلیل نمی‌شود بر این که بگوئیم ولی باید طهارت داشته باشد. بویژه این که آنجا آنچه متصف به طواف هست صبی است و در روایت: «یطوف به» آمده؛ یعنی صبی عنوان طائف را دارد، اما ولی عنوان طائف را ندارد. لذا این استدلال را رد می‌کنند.

به هر حال، اگر اجماعی باشد (که از عبارت صاحب کشف اللثام استفاده می‌شود) بر این که ولی باید طهارت داشته باشد که روشن است و گرنه اگر اجماعی نباشد، لازم نیست ولی طهارت داشته باشد. گویا محقق خوئی (قدس سره) این اجماع را نیز قبول ندارد؛ چرا که می‌فرماید به نظر ما، نه توضی لازم است نسبت به صبی، نه اینکه این ولی لازم است که وضو داشته باشد.

نکاتی چند پیرامون طهارت ولی

نکته 1: مرحوم امام در متن تحریر درباره وضو برای طواف مطلبی را نفرمودند، اما نسبت به صلاة گفتند باید وضو داشته باشد. بعد اینجا این بحث واقع می‌شود که آیا امام (قدس سره) همانند مرحوم خوئی در متن تحریر طهارت را برای طواف لازم نمی‌داند یا این که نظر ایشان این است که طواف نیز مثل صلاة است. مرحوم والد ما در شرح تحریر می‌فرماید لا یبعد که همین دومی نظر مرحوم امام باشد که بین صلاة و طواف فرقی نیست.

نکته 2: برخی از روایات احجاج دلالت دارد بر این که ولی، از جانب صبی رمی کند. علامه حلی (قدس سره) می‌فرماید: «یستحب له وضع الحصى فی ید غیر الممیز»^[12]؛ برای ولی مستحب است که سنگریزه‌ها را در دست صبی بگذارد و بعد بردارد و رمی کند.

نتیجه این است که اگر ما حج واقعی را از این روایات احجاج استفاده کردیم، باید خود صبی وضو بگیرد اگر بلد است، اگر بلد نیست ولی وضویش بدهد، اما برای وضوی ولی ما هیچ دلیلی نداریم مگر این که اجماع ثابت باشد و این اجماع هم ثابت نیست، هر چند صاحب کشف اللثام ادعایی دارد و عبارتش اشعار به اجماع دارد، ولی چنین اجماعی ثابت نیست. لذا خود صبی وضو می‌گیرد و اگر نشد او را توضی بدهند. البته احتیاط آن است که هم صبی وضو بگیرد و هم ولی.

مسئله دوم تحریر الوسيله

مرحوم امام می‌فرماید: «لا یلزم أن یكون الولی محرماً فی الاحرام بالصبي بل یجوز ذلك و إن كان مُحَلّاً»^[13]، مسئله این است که این ولی که می‌خواهد این صبی را حاج کند، آیا خودش باید محرم باشد یا این که لازم نیست؟ در اینجا ابتدا اگر از حیث اصولی بحث کنیم، يك حکمی داریم به نام «استحباب احجاج الولی بالصبي» که حکم فقهی ماست، شك می‌کنیم مشروط است به این شرط که آیا ولی محرم باشد یا نباشد. از جهت اصولی، اصالة البرائه جاری می‌شود و می‌گوئیم اصل، برائت از این است که ولی محرم باشد.

ثانیاً این روایات و نصوصی که در اینجا است، اعم از این است که اولیاء خودشان محرم باشند یا محرم نباشند.

مسئله سوم تحریر الوسيله

مراد از این ولی چیست؟ آیا خصوص ولی شرعی مراد است؟ یا این که در اینجا دایره‌اش گسترده است، غیر ولی شرعی را هم می‌گیرد؛ یعنی در اینجا علاوه بر ولی شرعی (مثل پدر و جد)، شامل مادر هم می‌شود. تردیدی نیست چون روایتی وجود دارد و از آن روایت به خوبی استفاده می‌شود که شامل مادر می‌شود، اما آیا غیر از مادر مثل دایی، عمو، در اینجا این کلمه ولی شامل می‌شود یا خیر؟

- [1] رك به: نهاية المرام في شرح مختصر شرائع الإسلام، ج2، ص: 363 و 362 و مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول، ج24، ص: 351.
- [2] رك به: تحرير الأحكام الشرعية على مذهب الإمامية (ط - الحديثة)، ج1، ص: 542.
- [3] تحرير الوسيلة، ج1، ص: 371، مسئله دوم از شرائط وجوب حجّ.